

# خط قرمز ما ایران است

بررسی موضوع ورود جدی نهادهای انقلابی به عرصه مستندسازی از دهه ۹۰، در گفت‌وگو با مصطفی شوقی مدیر خانه مستند



دهه ۹۰، دهه شکوفایی سینمای مستند بود؛ دهه‌ای که برخی سازمان‌ها و نهادهای متوجه اهمیت فیلم مستند شدند و به صورت جدی وارد عرصه شدند. سال‌هایی که مرکز مستند سوره، توسط مرتضی یزدی تأسیس شد. سازمان اوج به وجود آمد، مرکز مستند حقیقت با محوریت مرتضی شعبانی، به نهادی مهم و تأثیرگذار در تولید مستند در منطقه تبدیل شد؛ دورانی که خانه مستند محلی برای حضور سینماگران جوان شد. در گفت‌وگو با مصطفی شوقی مستندساز و روزنامه‌نگاری که مدتی است مدیر خانه مستند ایران را بر عهده دارد، میزآنسن متفاوت سینمای مستند ایران در یک دهه اخیر را با تمرکز بر فعالیت‌های خانه مستند بررسی کرده‌ایم.

به جبهه فرهنگی انقلاب بودند. خانه مستند ایران، سازمان اوج و مرکز مستند حقیقت جزو مهم‌ترین نهادهایی بودند که در این عرصه فعالیت کردند. چه شد از دهه ۹۰ سینمای مستند ایران با حضور این نهادها میزآنسن تازه‌ای یافت؟

آنچه اتفاق افتاد ریشه در یک واکنش طبیعی نسبت به تحولات اجتماعی بود که از طرف بچه‌هایی که معتقد به انقلاب بودند و هستند، صورت گرفت. به گذشته برگردیم. در ابتدای انقلاب، به خاطر فضایی که در آن زمان وجود داشت و شرایطی که ایران آن روز با آن مواجه بود، بچه‌هایی که ذیل جهاد سازندگی جمع شده بودند، برای محرومیت‌زدایی به روستاها، مناطق دورافتاده و کپرنشین می‌رفتند. گروهی از همین طیف، در قالب ساخت مستند به آن مناطق رفتند و آنچه را در آن نقاط به چشم می‌خورد بازتاب دادند. همان موقع مستندهایی مثل «دیار فراموش شدگان» و «خان‌گزیدها» از شهید مرتضی اوبنی در تلویزیون پخش شد؛ مستندهایی بسیار افشاگرانه و صریح و در عین حال بکر و متفاوت که بدون رتوش فضای روستاهای محروم و مناطق دورافتاده کشور را به نمایش می‌گذاشت و مخاطب متوجه می‌شد در نتیجه محرومیت‌هایی که محصول رژیم گذشته بود چه بر سر مردم این مناطق آمده است. این مستندها کنش طبیعی‌ای بود به آن تحولات. بعد از آن هم در دوران دفاع مقدس همین اتفاق افتاد و کنش طبیعی بچه‌های عرصه روایتگری و فرهنگی انقلاب اسلامی، در مستندهای «روایت فتح» بروز پیدا کرد. همه این تلاش‌ها و تجربیات بستری شد برای شکل‌گیری نهادها و سازمان‌هایی که در سال‌های بعد وارد عرصه شدند. به عنوان مثال خانه مستند از دل همین تجربه‌ها و از بستر کنشگری بیرون آمد و مسیری را که طی کرد دقیقاً از جنس کنش‌های طبیعی دهه اول انقلاب بود. سیر تحولات سیاسی، اجتماعی‌ای که در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، شاهدش بودیم دغدغه‌هایی جدی برای ثبت و روایتگری ایجاد کرد که خروجی‌اش را در محصولات خانه مستند و نهادهای دیگر می‌توانید ببینید. نکته جالب توجه درباره مستندهای این دوره، جوان بودن

بچه‌هایی بود که این آثار را تولید می‌کردند. در این سال‌ها نسل جوان و آگاهی به میدان آمد که شاید به واسطه همین جوانی نسبت به پیشینیان خودشان آوانگارتر بودند و نبض اجتماع در دستشان بود. همین باعث شد شاهد میزآنسن متفاوتی در سینمای مستند ایران باشیم.

**خانه مستند ایران، مشخصاً چه ماموریت‌هایی برای تولید فیلم مستند تعریف کرده است که دیگر نهادها و سازمان‌ها به آن ورود نکرده و نمی‌کنند؟**

دوستانی که پیش از من در خانه مستند بودند و هنوز هم در عرصه مستند فعالیت می‌کنند، سنگ بنایی را گذاشتند که خانه مستند همچنان در همان مسیر گام برمی‌دارد. بر این اساس هر کسی که ایران را دوست دارد و به منافع ملی ایران احترام می‌گذارد و به آن اعتقاد دارد، می‌تواند در خانه مستند فعالیت کند و برای مردم از این طریق فیلم بسازد. در واقع ما در اینجا با نگاهی گسترده و باز با دوستان علاقه‌مند طرف شدیم و نتیجه اینکه جوان‌های علاقه‌مند بسیاری در خانه مستند فیلم ساختند. می‌توانیم به جرأت بگوییم که طیف وسیعی از مستندسازان، دست‌کم یک‌بار با خانه مستند همکاری کرده‌اند. من خودم را فرزند خانه مستند می‌دانم و همه فیلم‌هایم در خانه مستند تولید شده و با دوستان و رفقا و استادانم در اینجا کار کرده‌ام و حالا هم مسئولیت اینجا بر عهده‌ام گذاشته شده است و در همه این سال‌ها نگاهمان یک نگاه تعلیمی، ترویجی به جامعه بود. از آنجا که ما در خانه مستند نگاهمان قدری متفاوت بود و به قول معروف «بیگ لانگ‌شات» به ماجرا نگاه کردیم، دایره موضوعاتی که دستمایه تولید مستند قرار دادیم گسترده است. به همین دلیل است که شما در آثار خانه مستند، از فیلم‌های جدی تاریخی، مثل «شورش علیه سازندگی»، «کافی» و «شریعتی» می‌بینید تا مستندهای اجتماعی مثل مستند «نان گزیده‌ها» یا مستندهای مطالبه‌گری که در خوزستان و سیستان و بلوچستان ساخته شده، شما با طیف متنوع مواجه هستید؛ از مستند اجتماعی تا مستند تاریخی و مستند جنگی در حوزه مقاومت مانند مستند درجه یک «خاطرات موتورسیکلت» یا مستند «سلفی با ابومهدی» و انبوه آثاری که بچه‌های خانه مستند در وسط میدان و معرکه جنگ سوریه و عراق ساختند. کنارش، آثار ورزشی مثل «دریبل» و مستند «مجدبه» که در دست تولید است و حتی مستندی درجه یک درباره غذا ساخته‌ایم که حسام اسلامی آن را کارگردانی کرده که از پیشگامان خانه مستند است. مجموعه اینها نشان‌دهنده این است که طیف متنوعی

از موضوعات ذیل آنچه گفتمان منافع ملی و گفتمان کمک به اینکه حال ایران و ایرانی خوب شود، در اینجا در قالب مستند ساخته شده‌اند. طبیعی است که مثل هر کمپانی فیلمسازی با فراز و نشیب‌هایی هم مواجه شده‌ایم. خانه مستند هم آثار ارزشمندی دارد و هم مستندهایی که متوسط یا ضعیف از کار آمده‌اند. در این سال‌ها در مورد هر موضوعی که اهمیت داشته، مستند ساخته شده از رخدادهای منطقه‌ای در سوریه و عراق و افغانستان تا بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله که دوربین مستندساز در همه این رخدادهای حضور داشته است. این مستندها محصول تعداد زیادی از فعالان سینمای مستند بوده که در اینجا به فعالیت پرداخته‌اند.

**سازمان اوج در همکاری با سینماگران سیاست‌های نسبتاً بازی دارد و به اصطلاح گاردی برای همکاری ندارد. در خانه مستند شرایط چگونه است؟ هر کس ایران را دوست داشته باشد و منافع ملی کشور برایش اهمیت داشته باشد، به شرط بهره‌مندی از ذوق و نگاه و استعداد ساخت مستند می‌تواند با ما همکاری کند. اینجا خانه مستندسازی است که بیم و امیدهای ایران را بدون بغض دنبال می‌کند. در یک کلام خط قرمز ما برای همکاری ایران است.**

**آیا می‌توان گفت چند نهاد متولی تولید آثاری هستند که نه بخش خصوصی به آنها ورود می‌کند و نه سازمان‌های عریض و طویل دولتی چنین توانایی‌ای دارند؟**

خانه مستند برگ سبزه خاصی ندارد. برگ سبز ما مستندسازان جوان، صبور و معتقد به حفظ تمامیت ارضی ایران، حفظ منافع ملی ایران و اشاعه فرهنگ ایرانی، اسلامی ما هستند. با این نگاه اگر مستند مطالبه‌گر یا ناهای می‌سازیم سعی می‌کنیم راهکار هم ارائه کنیم؛ مثل مستند «میوه‌ها روی درخت است» که به عنوان مستند مطالبه‌گر، کوشیدیم که راهکار هم ارائه کنیم. یا یکی از قدیمی‌ترین کارهای خانه مستند «تقاطع تهران سئول» است که درباره صنعت خودروسازی است که بیش از ۱۰ سال پیش ساخته شده یا مستند «شورش علیه سازندگی» درباره رخدادهایی است که متأثر از سیاست‌های اقتصادی دولت در اوایل دهه ۷۰ اتفاق افتاد یا پرتوهای که درباره صاحب کارخانه بیک می‌سازیم و راه و روش زندگی‌اش را به نمایش می‌گذاریم، همگی با نمایش داشته‌هایمان است و اینکه چطور با گذر از بیم‌ها به امیدها برسیم. البته معنی‌اش این نیست که کار ما همیشه موفق بوده ولی همواره سعی کرده‌ایم همه‌جانبه به موضوعات بپردازیم و یک‌جانبه‌نگر نباشیم.



نمایی از مستند خاطرات یک موتورسیکلت